



مرکز بررسی‌های استراتژیک  
CENTER FOR STRATEGIC STUDIES



## ستیز نخبگان

### مقدمه‌ای بر جنبش فرومایگان

دکتر محمدرضا تاجیک

رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۴

آثار پژوهشی

سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴

Date: ..... تاریخ:  
No.: ..... شماره:  
Ref.: ..... پیوست:

---

---

ستیز نخبگان؛

مقدمه‌ای بر جنبش فرومایگان

---

---

امروزه در بین علمای علم سیاست این اتفاق نظر وجود دارد که در جوامع جهان سومی و در حال توسعه، نخبگان مهم‌ترین نیروی اجتماعی بوده و در شکل دادن به تحولات اجتماعی بیشترین تأثیر را دارند. حتی عده‌ای از نظریه پردازان نخبه‌گرایی نوین، دموکراسی را در اصل نه دموکراسی مشارکتی، بلکه دموکراسی نمایندگی یا دموکراسی نخبگان می‌دانند. به عبارت دیگر، در جوامع دموکراتیک غربی نیز در نهایت این نخبگان هستند که حکومت می‌کنند نه مردم. در ایران در دهه اول انقلاب، به واسطه شرایط خاص و نیاز به حضور مردم برای تحکیم پایه‌های مشروعیت نظام سیاسی، نقش نخبگان در اداره جامعه و مدیریت بحران مورد کم‌توجهی قرار گرفت. اولویت یافتن تعهد بر تخصص در یک مقطع زمانی خاص، موجب تقویت پایه‌های نظام گردید، اما در نهایت نظام سیاسی را، از داشتن متخصصان متعدد تا حدی محروم کرد. بسیاری از مدیران در دوران جمهوری اسلامی، مدیریت خود را ضمن خدمت آموختند. نبود یک روند مشخص در جذب نخبگان جدید از یک سو و افزایش اختلاف میان نخبگان موجود از سوی دیگر، زمینه را برای سوءاستفاده برخی افراد فراهم کرد و آنها توانستند با استفاده از این موقعیت برخی سمت‌های مهم را اشغال کرده و از این طریق به فکر پیشبرد منافع خود و اطرافیان خود باشند. در واقع این افراد، در همه زمان‌ها و در همه نظام‌های سیاسی وجود دارند و به محض مهیا بودن شرایط و به تعبیری با شناخت جهت باد، از گروه یا جناح قدرتمند حمایت کرده و می‌کوشند تا جایگاه خود را درون نظام سیاسی حفظ کنند. این گروه را فرومایگان می‌نامیم.

فرومایگان ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی دارند که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱- بیش از آنکه به فکر منافع ملی و ملت و مردم و کشور باشند، به فکر منافع خود و اطرافیان خود هستند.

۲- وابسته به هر گروه و جناحی که باشند، به محض اینکه شغلی و مقامی به دست آورند، با انواع ترفندهای قانونی و غیرقانونی از امکانات دولتی سوءاستفاده می‌کنند و به تعبیر عامیانه بار خود را می‌بندند.

۳- معاونان و همکاران و کارمندان خود را از دوستان، آشنایان، بستگان و کسانی انتخاب می‌کنند که با آنها رودربایستی دارند و نمی‌توانند در مقابل تخلفات آنها اعتراض کنند.

۴- به تعبیر ساده آدم‌های گرسنه‌ای هستند که تأمین مالی و افزایش حقوق و مزایا و نظایر آنها، اولویت اول آنهاست و نیز کار را به خاطر حقوق کم، تعطیل می‌کنند.

۵- دوست دارند همواره کشمکش در میان نخبگان وجود داشته باشد تا کسی به حساب و کتاب آنها رسیدگی نکند. هرچه اوضاع بحرانی‌تر، ادامه کار و تأمین منافع شخصی راحت‌تر.

۶- حتی اگر اختلافی بین نخبگان وجود نداشته باشد، می‌کوشند با ایجاد اختلاف، زمینه اقدامات بیشتر برای تأمین منافع شخصی و گروهی خود را فراهم کنند.

۷- در سخنان خود همواره همگان را محکوم به عدم رعایت حقوق خود می‌کنند. آنها از تاریخ، نظام سیاسی، ثروتمندان، عالمان، نخبگان و افراد دیگری که موافق اقدامات آنها نیستند به بدی یاد می‌کنند و آنها را مسئول بدبختی خود می‌دانند.

۸- به تعبیر عامیانه، زالوهایی هستند که باید از فردی یا گروهی تغذیه کنند.

۹- همواره لشکر آماده بیکاران، اراذل و اوباش آماده خدمت به اینها در هر شکل و لباس و در هر زمانی هستند.

۱۰- اصولاً به ایدئولوژی و عقیده خاصی اعتقاد ندارند و به یک تعبیر، هر دمبیل و هر هری مذهب هستند. ایدئولوژی آنها را کسانی تعیین می‌کنند که مُد روز بوده و قدرتمند هستند. فرق نمی‌کند اینها اصلاح طلب باشند یا محافظه‌کار، روحانی باشند یا غیرروحانی، اصل مهم برای اینها این است که کسی به آنها کاری نداشته باشد.

تاریخ ایران نمونه‌های متعددی از جنبش فرومایگان را به یاد دارد و مهم‌ترین آن همانا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود که در آن جنبش فرومایگان با گرفتن پول از آمریکا دولت قانونی را برانداختند. فرومایگان در اصل با کسی پیمان دوستی نبسته‌اند. از همین رو بازی کردن با کارت فرومایگان، بازی کردن با آتش است. هر زمان که نخبگان سرگرم حذف یکدیگر از صحنه رقابت سیاسی باشند، روز عید فرومایگان است.

بی‌آنکه بخواهیم نسبت به این افراد دیدگاه کاملاً منفی داشته باشیم، ادعا می‌کنیم این افراد بنا به دلیل متعدد، دغدغه‌های خاص خویش را دارند و لذا نمی‌توانند در بحران‌ها به مسائل کلان مملکت و نظام فکر کنند. به همین دلیل است که اختلافات نخبگان و افزایش بحران درونی آنها، زمینه را برای قدرتمندتر شدن این افراد آماده می‌کند. به‌طور طبیعی در هر گروه و جناح، افرادی از این نوع یافت می‌شوند که می‌خواهند با اقدامات خویش بر دامنه بحران بیافزایند. آنچه باعث می‌شود این افراد قدرت مانور خود را از دست بدهند، همانا درایت و کارآمدی نخبگان است که در سطح ملی و کلان می‌اندیشند و عمل می‌کنند. از این منظر می‌توان ادعا کرد افراطیون در هر گروه و جناح، زمینه را برای جنبش فرومایگان فراهم کرده و قدرت مانور آنها را افزایش می‌دهند. همین‌طور هر اقدامی، در راستای رادیکالیزه کردن فضای سیاسی، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه، زمینه قدرت یافتن جنبش فرومایگان را فراهم می‌کند. جنبشی که در نهایت می‌خواهد سیاست را در نوردیده و به دغدغه‌های تاریخی خویش در انتقام گرفتن از نخبگان و مرکز نشینان و قدرتمندان، جامه عمل بپوشد. متأسفانه نخبگان سیاسی در رقابت‌های خویش وقتی در موضع ضعف قرار می‌گیرند، جنبش فرومایگان را

در راستای اهداف کوتاه‌مدت خویش تقویت می‌کنند، بی‌آنکه به عواقب این امر بیندیشند. زمانی که فضای سیاسی جامعه نخبه‌ستیز می‌شود، زمانی که ارزش‌های عامیانه و پوپولیستی در پرتو ایدئولوژی به یکباره در جایگاهی برتر از همه ارزش‌ها قرار می‌گیرد و زمانی که نخبگان بیرون از حاکمیت که تعهد آنها نسبت به کشور و میهن خویش به مراتب افزون‌تر و آشکارتر از تعهد فرومایگان است، با عناوین مختلف خارج از مدار قدرت نگه داشته می‌شوند، بستر جامعه مستعدترین زمینه را برای قدرت گرفتن جنبش فرومایگان فراهم می‌کند. در چنین هنگامه‌ای میان‌مایگان نیز فرصت را غنیمت شمرده و با سوءاستفاده از برخی فرومایگان با نخبگان تسویه حساب می‌کنند. بدین‌سان در فضای سیاسی جامعه یا به تعبیر بهتر فضای جامعه‌شناسی سیاسی جامعه، نخبگان با هر نوع اندیشه و تفکری به حاشیه رانده می‌شوند و فرومایگان و میان‌مایگان میدان‌دار می‌شوند و در صدد ایجاد یک جنبش فرومایگان برمی‌آیند. آنچه اعضای این جنبش را امیدوار می‌کند، همراهی برخی نخبگان با آنهاست. با عنایت به نکات فوق بر این باوریم که:

۱- در فضای کنونی سیاسی، رقابت سیاسی نخبگان نباید منجر به ستیزش و حذف گروهی از نخبگان از هر جناح و گروه شود. زیرا در بلندمدت این امر، زمینه را برای قدرت گرفتن گروه‌های حاشیه‌نشین و جنبش فرومایگان فراهم می‌کند.

۲- برخی از نخبگان رادیکال موجود در هر دو جناح حاکم، زمینه رادیکالیزه شدن فضای سیاسی را فراهم می‌کنند و این فضای رادیکال مورد سوءاستفاده کسانی قرار می‌گیرد که دغدغه آنها، منافع شخصی و گروهی است و نه منافع ملی.

۳- حذف گروه عمده‌ای از نخبگان در شرایط فعلی منجر به قطع جریان نخبگان می‌شود. نخبگان جدید هنوز قواعد بازی سیاسی را یاد نگرفته‌اند، در حالی که نخبگان فعلی با تجارب

گذشته خود در صدد هستند از تکرار اشتباهات گذشته خودداری کنند، نخبگان جدید به خاطر کم تجربه بودن می توانند فضای سیاسی جامعه را به سمت اقدامات رادیکال سوق دهند.

۴- نخبگان سرمشق مردم در فعالیت های سیاسی، اجتماعی و حتی زندگی شخصی هستند. در علم جامعه شناسی، گروه مرجع از اهمیت ویژه ای برخوردار است. وقتی مردم بنا به دلایل مختلف تصور کنند گروه های مرجع نیز همانند آنها بر سر قدرت و مسائل مادی نه تنها رقابت بلکه ستیز می کنند، اعتماد خود را به آنها از دست می دهند و این یعنی کاهش ظرفیت یک نظام سیاسی در مدیریت بحران.

بر همین اساس تقاضای ما از نخبگان این است که:

۱- از افزایش تنش و ستیزش در میان نخبگان جمهوری اسلامی تا حد امکان جلوگیری کرده و فضای سیاسی جامعه را به سمت عدم خشونت سوق دهند.

۲- با لحاظ منافع بلندمدت و منافع ملی، از نفوذ کلام خود از گسترش اقدامات رادیکال جلوگیری کنند؛ اقداماتی که در نهایت، به ضرر نظام سیاسی تمام خواهد شد.

۳- اجازه ندهند، بخشی از مسافران قطار انقلاب و نظام سیاسی بسا قهر کردن از قطار پیاده شوند. آنها یا باید در راه بمانند یا سوار قطار دیگری شوند که الزاماً مطابق میل آنها نیست.

۴- جامعه بی تفاوت نسبت به سیاست، همواره جامعه ای مطلوب برای سیاست ورزی نیست. بی تفاوت ها در برخی موارد غیرقابل پیش بینی هستند. در مقطع کنونی باید از افزایش جمعیت بی تفاوت ها تا حد امکان جلوگیری کرده و احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت جامعه و نظام سیاسی را جایگزین آن نمود.